

## مهرها ، توشیح‌ها و طغراهای ملوک هرموز

در آرشیو ملی کشور پرتغال (در لیسبون) انبوهی از اسناد خطی بزبانهای پرتغالی و فارسی و عربی و ترکی اسلامبولی مربوط به تاریخ ایران دوره صفویه (۹۰۶-۱۱۴۸ قمری) موجود است<sup>۱</sup> که اگر روزی اسناد پرتغالی آن (شامل بیش از ده هزار برگ) به فارسی ترجمه شود بی‌گمان در تاریخ سلسله صفویه تغییرات کلی پدید خواهد آمد. اسناد فارسی و عربی این گنجینه گرانبها ۶۶ فقره است که ۱۵ قطعه از آن، نامه‌هاییست که ملوک هرموز نوشته‌اند و به مهر و توشیح و طغراهای آنها مؤکد شده است و مقاله حاضر در باره این مهرها و توشیح‌ها و طغراها می‌باشد. اما پیش از آنکه در باره آنها گفتگو کنیم لازم است هر اندازه مختصر هم باشد، از سلسله ملوک هرموز و قلمرو آنها سخنی گفته شود.

---

۱- از کلیه اسناد فارسی و عربی و ترکی مزبور میکروفیلمی به وسیله نگارنده برای سازمان بررسی‌های تاریخی ستاد بزرگ ارتشستاران تهیه گردیده است.

### هرموز و قلمرو آن

نام هرموز تا اوائل سدهٔ هشتم هجری (آغاز سدهٔ چهاردهم میلادی) به بندر معتبری اطلاق میشد که نزدیک به مصب رودخانهٔ رودان (میناب) و بر کرانه خلیج فارس قرار داشت و بندر میناب امروز در نزدیکی ویرانه‌های آن برپا شده است.

بندر هرموز مرکز عمدهٔ بازرگانی ایران، هندوستان، عربستان و سواحل خلیج فارس و نیز پایتخت قلمروی شامل قسمتی از کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس بود<sup>۲</sup> که سلسله ملوکی بنام سلسله سلغرشاهی بر آن حکمرانی داشتند و ملوک این سلسله گاهی خراجگزار ملوک فارس بوده‌اند و زمانی نیز با داعیه استقلال، خود را پادشاه می‌خواندند.

بموجب ضبط تواریخ، «مقاطعه بر و بحر ممالک فارس» در سال ۶۹۲ هجری قمری یعنی از زمان گیخاتو (۶۹۰-۶۹۴ ه) به ملک اسلام جمال الدین طیبی سپرده بود<sup>۳</sup> و این قرار در دوران سلطنت غازان خان (۶۹۴-۷۰۳ ه) نیز تجدید گردید.<sup>۴</sup> هرموز و قلمرو آن در این ایام سرجمع بخش فارس و مقاطعه آن از جانب ملک اسلام به پسرش ملک معظم فخرالدین واگذار شده بود.

مقارن این احوال یعنی در حدود سال ۶۹۲ هجری ملک سیف‌الدین نصرت پسر رکن‌الدین محمود قلاتی در هرموز حکومت میکرد و چون به دست برادرش رکن‌الدین مسعود کشته شد، غلام

۲- ژان اوبن Jean Aubin: «تلاشهای پرتغال در دریای هند» صفحه ۱۰۱

چاپ سویس سال ۱۹۷۱.

۳- وصاف‌الحضرة: ج ۳ ص ۲۶۹ و ص ۲۸۴

۴- همان کتاب ص ۲۹۷

او بهاءالدین ایازالسیفی به خونخواهی وی بر رکن‌الدین مسعود شورید و رکن‌الدین مسعود به ناچار نزد ملوک کرمان فرار کرد .<sup>۵</sup> رفته رفته ، بهاءالدین ایاز خود بفکر سلطنت افتاد و در نتیجه کدورتی میان او و ملک معظم فخرالدین بوجود آمد<sup>۶</sup> تا اینکه گروهی از مغولان جفتائی که از مدتی پیش ، از ماوراءالنهر به نواحی سیستان و غزنین تاخته و در آنجا بودند از عزیمت غازان‌خان به شام (در سال ۶۹۷ هـ) استفاده کرده به شیراز و مناطق فارس و تا حدود شوشتر تاختند و همه جا را غارت کردند و سرانجام هنگام بازگشت ، در اواخر سال ۶۹۹ هجری به هرموز رسیدند .<sup>۷</sup> بهاءالدین ایاز که از بدو تاخت و تاز ترکان جفتائی، حمله آنها را به هرموز پیش‌بینی کرده بود ساکنان هرموز و دستگاه حکمرانی خود را یکجا به جزیره جرون (هرموز امروزی) منتقل کرد<sup>۸</sup> و بدین ترتیب جزیره جرون از سالهای ۶۹۶-۶۹۹ هجری مرکز حکمرانی ملوک هرموز شد و مردم به یادگار میهن اصلی خود ، آنجا را هرموز نامیدند ولی نام جرون همچنان تا اواسط دوره صفویه به آن جزیره گفته میشد . چنانکه در نامه‌هایی که از ملوک هرموز و وزرای آنها در دست می‌باشد مکرر به نام جرون برمیخوریم .

۵- همان کتاب صفحات ۲۹۶-۲۹۷ و معین‌الدین نطنزی : منتخب‌التواریخ

معینی ص ۱۴ .

۶- ر.ک به وصاف از ص ۲۹۷ تا ۳۰۰ و به اقبال (عباس): مطالعاتی در باب

بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس ص ۳۸-۳۹

۷- وصاف الحضرة : ص ۳۶۷ - ص ۳۷۱ و اقبال : ص ۳۹

۸- معین‌الدین نطنزی مهاجرت بهاءالدین ایاز و مردم هرموز به جزیره جرون

را از وقایع سالی می‌داند که رکن‌الدین از ملک اسلام جمال‌الدین استمداد خواسته بود (ص ۱۴) و این واقعه بنا به قول صاحب تاریخ وصاف ، سال ۶۹۶ هـ بوده است

( ر . ک . به ص ۲۹۸ ج ۳ )

بدین ترتیب از حدود سال ۷۰۰ هجری بندر هرموز رفته رفته اعتبار خود را از دست داد و جزیره جرون یا هرموز جدید، جا و مقام آنرا گرفت و مرکز عمده داد و ستدهای دریائی در خلیج فارس و واسطه بازرگانی با هندوستان و آسیا شد.

بهاءالدین ایاز تا سال ۷۱۱-۷۱۲ هجری که درگذشت<sup>۹</sup> بر قلمرو هرموز حکومت میکرد و پس از مرگ او اختیار هرموز بدست عزالدین گردانشاه افتاد که از اعقاب ملوک قدیم هرموز بود و اخلاف او از این پس تا زمانی که پرتغالیها به خلیج فارس راه یافتند (۹۱۳ هجری = ۱۵۰۷ میلادی) همواره خراجگزار پادشاهان ایران و بنام ولات هرموز معروف بودند<sup>۱۰</sup> و قلمرو آنها نیز که دامنه آن رفته رفته به جزایر و کرانه‌های جنوبی خلیج فارس و دریای عمان کشیده شده بود همواره سرجمع خاک ایران محسوب میشد.

ما در اینجا، برای اینکه سخن به درازا نکشد از شرح تاریخ ملوک هرموز و تحولات قلمرو آنها میگذریم و فقط به ارائه دو شجره انساب ملوک مزبور که تا سال ۱۰۳۱ قمری (۱۶۲۲ میلادی) در هرموز سلطنت میکردند میپردازیم. و این توضیح لازم است که شجره اول مربوط به تاریخ این سلسله از آغاز تا تصرف هرموز به دست پرتغالیها (۹۱۳ هجری برابر با ۱۵۰۷) میباشد.<sup>۱۱</sup>

۹- ژان اوین Jean Aubin: ملوک هرموز، در مجله آسیائی Journal Asiatique شماره یکم سال ۱۹۵۳ ص ۹۹ و اقبال: ص ۴۰

۱۰- ر.ک به عالم‌آرای عباسی که در شرح وقایع سال ۹۱۴ هجری زمان سلطنت شاه اسماعیل اول می‌نویسد «ایلچیان‌والی لاروهرموز بپایه سریر خلافت مصیر آمدند» (ص ۳۵ چاپ امیرکبیر). به فارسنامه ناصری تألیف میرزا حسن فسائی نیز رجوع کنید (گفتار یکم ص ۹۴)

۱۱- این شجره از مقاله «ملوک هرموز» به قلم ژان اوین گرفته شده است.

و شجره دوم شامل سلطنت یکصد و هیجده ساله (از ۹۱۳ تا ۱۰۳۱ مطابق با ۱۵۰۷ تا ۱۶۲۲) آنهاست که به استناد مدارک موجود تنظیم شده است و در مورد این شجره باید یادآور شد که نسبت به ترتیب سلطنت سلاطین این دوره و تاریخ روی کار آمدن و مرگت و یا برکناری آنها در مدارک موجود، تشتت آراء و اختلاف نظرات بسیار است و ما صورت فعلی شجره مزبور را با تلفیق و جمع کلیه آراء و عقاید تنظیم کرده‌ایم و تنظیم یک شجره کاملاً درست و صحیح هنگامی ممکن است که اسناد پرتغالی موجود در آرشیو ملی پرتغال به فارسی برگردانده شود و یا بوسیله محققانی که به زبان پرتغالی وقوف کامل دارند مورد بهره برداری قرار گیرد .

## مهرها و توشیح‌ها و طغراهای ملوک هرموز

### ۱- تورانشاه‌بن سنگلشاه (۹۲۱-۹۲۷ ه ق)

بر روی نامه‌ئی به زبان عربی که از طرف تورانشاه‌بن سنگلشاه به پادشاه پرتغال نوشته شده ۱۲ اثر مهر گلابی‌شکلی از اوباقیست که سجع آن در چهار بخش نقر گردیده و بزحمت خوانده‌میشود.

(شکل ۱)

در داخل تاج : توکلت‌علی‌الله

در بخش زیرین : هست آذین همه روی زمین

در بخش میانی : توران شاه شنکل شاه تورانشاه تمهتن

در بخش بالائی . . . . .

۱۲- سند شماره ۸۳ (بازبان عربی) از مجموعه مدارک شرقی در آرشیو ملی



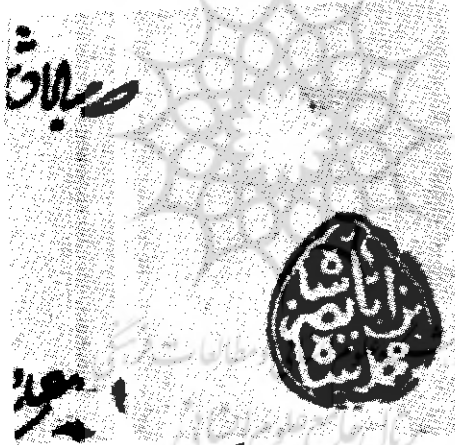
شکل ۱

۲ - محمد شاه (۹۲۵-۹۴۰ هجری قمری)

از محمد شاه سه نمونه مهر موجود است :

الف - مهر گلابی شکل کوچک که سبع آن چنین است : (شکل ۲) ۱۳

محمد شاه بن ابانصر شاه



شکل ۲

ب - مهر مدور با کلاهک : (شکل ۳) ۱۴

در داخل کلاهک : توکلت علی الله

در متن مهر : السلطان الاعظم محمد شاه بن ابانصر شاه بن شنکل

۱۳- سند شماره ۲۹ مدارك شرقی (فارسی) در آرشیو ملی پرتغال ، نامه

محمد شاه به پادشاه پرتغال

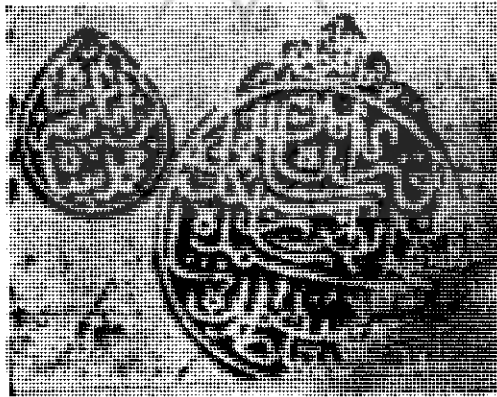
۱۴- سند شماره ۸۱ مدارك شرقی (عربی) .

شاه بن تورانشاه تهمتن



شکل ۳

بر روی سندی دیگر، این هر دومهر یکجا دیده میشود ۱۵ (شکل ۴)



شکل ۴

پ - مهر گلابی شکل دیگری که بزرگتر از مهر الف است و

۱۵ - سند شماره ۲۸ مدارك شرقی (فارسی)

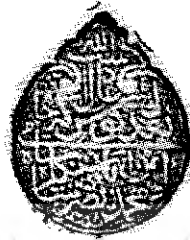
(۷)

سجع آن يك بيت شعر است : (شکل ۵) ۱۶

در بالا : الملك لله

در متن : محمد بن ابانصر شاه شنكل شاه

بعدل كوش كه حامی عادل است الاله



شکل ۵

۳ - سلغرشاه دوم (۹۴۰-۹۴۸ ه ق)

از سلغرشاه برادر محمد شاه يك نمونه مهر و دو طغرا باقیست:

الف- مهر گلابی شکل كوچك (شکل ۶) با این سجع : ۱۷

السلطان الاعظم سلغرشاه



شکل ۶

۱۶- سند شماره G. XV-17-23 ، نامه محمد شاه به دن ژوان سوم پادشاه پرتغال به زبان پرتغالی و به تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۵۲۸ برابر با یکم ربیع-الثانی ۹۳۵ قمری

۱۷- سند شماره ۷۳ مدارك شرقی (فارسی) در آرشیو ملی لیپسون



ب - طغرائی که توقیع آن چنین است : (شکل ۷) <sup>۱۸</sup>  
سلغرشاه ابانصر شاه شنککشاه

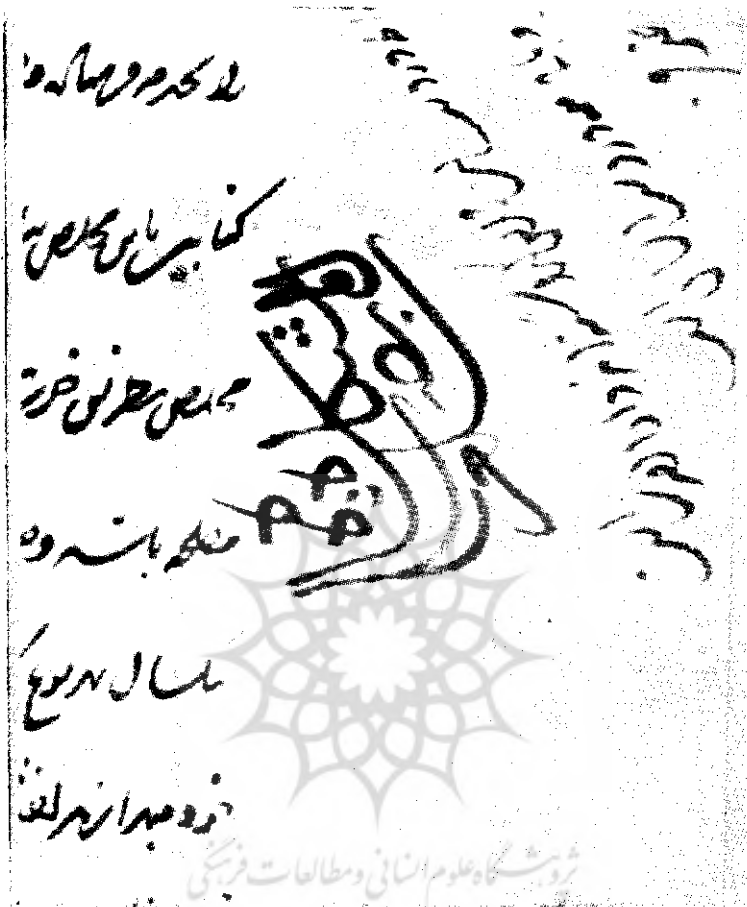


شکل ۷

پ - طغرای دیگری با همان توقیع که طرز کشیدن آن با طغرای  
ب تفاوت دارد <sup>۱۹</sup> (شکل ۸)

۱۸- همان سند و همان مرجع

۱۹- سند شماره ۹۰ مدارك شرقی (فارسی)



شکل ۸

۴- فرخشاه (حدود ۹۷۳ - بعد از شوال ۹۸۹ هـ ق)

از فرخشاه نقطه یک نمونه مهر موجود است و آن مهری مدور و کلاهک دار است : ۲۰ (شکل ۹)

در داخل کلاهک : الله . محمد . علی

در متن مهر : السلطان الاعظم فرخشاه محمد شاه بن فیروزشاه

۲۰- سند شماره ۳۵ مدارک شرقی (فارسی)



شکل ۹

نقش این مهر دویار با آب طلا بر نامه‌ئی که فرخ‌شاه به تاریخ ربیع‌الثانی ۹۷۳ هجری قمری به پادشاه پرتغال نوشته است دیده میشود .

### ۵ - تورانشاه ششم (؟ - تا حدود ماه رمضان ۱۰۰۶ ه ق)

اثر مهری که از این سلطان در دست است به پای نامه‌ایست بزبان پرتغالی که آنرا تورانشاه در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۵۹۸ (۸ رمضان ۱۰۰۶) در مورد جانشینی پسرش به سلطنت هرموز ، به نایب‌السلطنه هندوستان نوشته است ۲۱ و متأسفانه از سجع آن جز نام تورانشاه چیزی خوانده نمیشود . (شکل ۱۰)



شکل ۱۰

۲۱ - مجموعه اسناد خطی. Graça, II, E. برگ ۳۹۳ در آرشیو ملی لیسبون .  
به فهرست اسناد روابط ایران و پرتغال که در آرشیوهای پرتغال موجود است ،  
تألیف پروفیسور لوئیس دوما توش Luis de Matos (بزبان پرتغالی) نیز رجوع  
کنید (ص ۲۴۰) که خلاصه متن این سند را بدست داده است .

### ۶ - تورانشاه بن فرخشاه (چند ماه در ۱۰۱۰)

از این شخص که فقط چند ماهی در سال ۱۰۱۰ هجری قمری سلطنت کرده است امضائی در پای سندی به زبان پرتغالی بتاریخ آوریل ۱۵۹۸ (رمضان ۱۰۰۶ ه ق) موجود است ۲۲ و سجع آن چنین میباشد: (شکل ۱۱)

کمترین تورانشاه فرخشاه

بطوریکه از این سند برمی آید تورانشاه در زمان امضای سند مزبور هنوز پادشاه نبوده و عنوان او را در سند، شاهزاده نوشته اند .



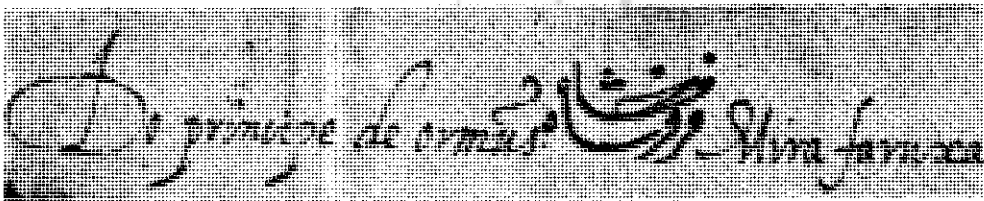
شکل ۱۱

### ۷ - فیروزشاه بن فرخشاه (۱۰۱۱-۱۰۱۷)

از فیروزشاه نیز فقط يك امضاء در پای سندی بزبان پرتغالی که تاریخ آن دوم آوریل ۱۵۹۸ (۲۲ رمضان ۱۰۰۶ قمری) میباشد در دست است ۲۳ و سجع آن چنین است: (شکل ۱۲)

فیروزشاه فرخشاه

فیروزشاه هم در این تاریخ مانند برادرش هنوز به سلطنت نرسیده بود و عنوان میر و شاهزاده داشته است .



۲۲- مجموعه اسناد خطی. Graça, III. جلد سوم صفحه ۲۸۹ (آرشیوملی لیسبون). پروفیسور ماتوش درفهرست خود، اشتباهاً این نامه را به فیروزشاه منسوب دانسته است (ر.ک به ص ۲۴۰)

۲۳- همان مجموعه، جلد سوم ص ۲۶۳



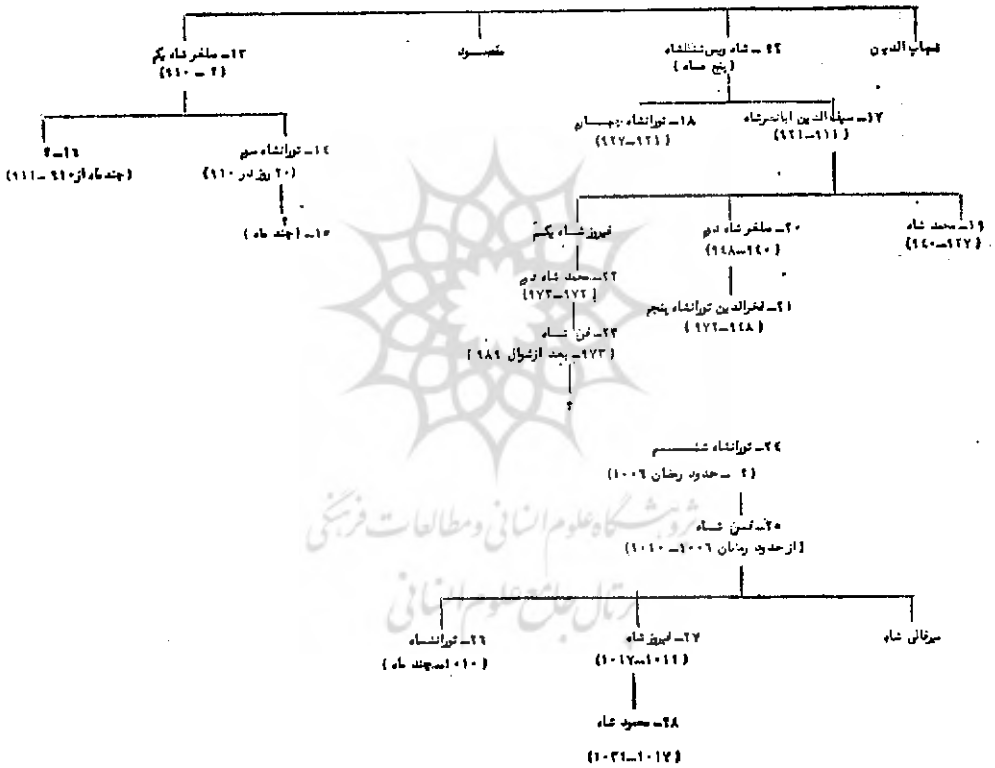
شجره سلطنت همدان  
(از ۹۱۳ تا ۱۰۲۱ هجری قمری)

۱۰ - قطب الدین محمد

(۴ - ۸۲۹)

۱۱ - فرالدین تورانشاه

(۴ - ۸۲۹)



شجره شماره ۲